گفتاری از سیدحسین شرف‌الدین درباره ریشه‌های یک نزاع قدیمی

منازعه ایرانیت و اسلامیت بومی و درون‌زا نیست

متن پیش رو سخنرانی دکتر سید حسین شرف‌الدین، عضو گروه جامعه‌شناسی موسسه امام خمینی «نسبت-سنجی دوگانه اسلامیت و ایرانیت در نظام‌سازی دینی» در پژوهشکده شهید صدر(ره)، (اندیشکده نظام‌سازی و مطالعات ایران) است.

* * *

مقدمتا باید عرض کنم که هرچند در بروشور برنامه اختلال هویتی یا به تعبیر برخی بحران هویتی مورد ادعا در جامعه ایران، با عطف توجه به دو منظومه از عناصر بنیادین موجود در فرهنگ ایرانی معاصر دوگانه و دوقطبی تقریر شده اما به‌نظر دقیق، گفتمان فرهنگی غالب در ایران معاصر (صدساله اخیر) همواره متضمن سه دسته عناصر با خاستگاه‌های متفاوت و اقتضائات کم‌وبیش متفاوت بوده است: عناصری از بقایا و رسوبات فرهنگ ایران باستان، عناصری از فرهنگ اسلامی و شیعی و عناصری از فرهنگ غربی یا مدرن. از این رو، شاکله هویتی جامعه ایران تحت عنوان هویت فرهنگی یا هویت ملی ایرانیان در عصر کنونی، توامان متضمن سه دسته عناصر به‌هم پیوسته و درهم آمیخته است. جالب این است که همین دسته سوم یعنی مدرنیته غربی که از ابتدای ورود، گسل هویتی را در این سرزمین فعال کرده است، چندان که باید مورد بحث و گفت‌وگوی طرفین منازعه یعنی ملی‌گرایان و اسلام‌گرایان قرار نگرفته است.

از این رو، تاکید شما بر دوگانه ایرانیت و اسلامیت، به‌عنوان مولفه‌های بنیادین فرهنگ و هویت ایرانی، احتمالا متاثر از خاستگاه تاریخی این منازعه و تقابل آشکار و پنهان برخی عناصر این دو فرهنگ در عرصه عمل و همچنین تقابل حامیان و حافظان آن دو طی تاریخ یک صدساله اخیر است. نکته دیگر این است که عناصر تشکیل‌دهنده این سه منظومه به‌ویژه دو منظومه ایرانی و غربی مدرن ابهام دارند و چون هویت‌یابی، محصول پذیرش یا اعتقاد جمعی به مجموعه‌ای از اصول مشترک و مورد وفاق است؛ دقیقا معلوم نیست که ایرانیت مستلزم باورمندی به چه چیزهایی است (سرزمین، تاریخ، قومیت، زبان، دین: قبض و بسط تاریخی این امور، زمینه طرح یک سری مناقشات را فراهم ساخته است) یا درخصوص مدرنیته غربی بسیاری از عناصر بنیادین آن (مثل لیبرالیسم، آزادی، عقلانیت، فردگرایی) به معنایی که در موطن اصلی مطرح بوده اساسا به قلمرو فرهنگی کشور ما وارد نشده است.

نکته دیگر اینکه مساله هویت در ایران (که همواره و به بهانه‌های مختلف، بدان دامن زده می‌شود) نه از ایرانیت و نه از اسلامیت، بلکه از نسبت میان این دو ناشی شده است. مراد از اسلامیت هم نه دین اسلام بلکه فرهنگ قدسی روییده در زیست‌بوم ایرانی در تاریخ هزار و چندساله است. نکته دیگر اینکه این مساله (گسست، شکاف یا تعارض هویتی ایرانیان) اگرچه از طرح آغازین آن (عهد مشروطه به این طرف) بیش از صدسال می‌گذرد، اما پرونده آن همچنان مفتوح است و هر از گاهی و به دواعی مختلف توسط جریاناتی بازخوانی می‌شود. از این رو، یک مساله کهنه و تاریخ مصرف گذشته نیست. همان‌گونه که اشاره شد هویت فرهنگی جامعه و ملت ایران در وضعیت کنونی، همچون بسیاری از جوامع، هویتی چندگانه و ترکیبی است؛ دو مولفه ایرانیت و اسلامیت آن قدمتی چندصدساله و مولفه غربی و مدرن آن سابقه‌ای یک‌صدساله دارد. تنوع و چندگانگی عناصر هویتی وضعیتی است که در بیشتر جوامع وجود دارد و خاص جامعه ما نیست. در جهان کنونی شاید نتوان جامعه‌ای یافت که مدعی یگانگی و یکپارچگی و اصالت فرهنگی باشد. این وضعیت (یعنی یکپارچگی و سره بودن فرهنگ عمومی) اگر در جوامع سنتی و پیشامدرن امکان تحقق داشت، اما در جوامع امروزی به‌ویژه از دهه‌های آغازین قرن بیستم به این طرف که ارتباطات میان فرهنگی بسط و گسترش روزافزونی یافته و فرآیند جهانی شدن به یمن ظهور رسانه‌های جهان‌گستر درحال رخداد است، عملا به تاریخ پیوسته است. وصف‌الحال همه فرهنگ‌ها، در وضعیت کنونی وحدت در عین کثرت و کثرت در عین وحدت است و به یک معنا چندفرهنگی بودن و بلکه التقاط و اختلاط فرهنگی به یک واقعیت محقق و عینی تبدیل شده است. گفتنی است که هویت فرهنگی در مقیاس ملی را به‌تبع پدیده دولت-ملت، هویت ملی می‌نامند. فرهنگ ملی از دید فرهنگ‌شناسان، هویت و موجودیتی برساختی دارد و همچون چتری فرازین همه خرده فرهنگ‌ها و قومیت‌های موجود در یک جامعه را تحت پوشش خود قرار می‌دهد. فرهنگ ملی درواقع مخرج مشترک همه فرهنگ‌های متنوع و متکثر درون یک واحد سیاسی اجتماعی یا دولت- ملت است. یکی از ابهامات این منازعه در برخی خرده گفتمان‌ها این است که ایرانیت به‌عنوان نماد ملیت (و چتر فرهنگی همه‌شمول) گاه در طول اسلامیت فرض شده (مثلا در اندیشه برخی از اعضای جبهه ملی و نهضت آزادی) و گاه در عرض آن و غالبا کسانی که نسبت عرضی میان این‌دو قائل شده‌اند، به تعارض آنها دامن زده‌اند. گویا فرض ضمنی این بوده که اسلامیت را نمی‌توان در دل ایرانیت و به‌عنوان یکی از عناصر اصلی آن جای داد. این جداانگاری را دو جور می‌توان تفسیر کرد؛ (تفسیرخوش‌بینانه) ایرانیت معرف قومیت و فرهنگ ایرانی است و اسلامیت معرف اعتقاد و باور آن به دین الهی و آسمانی (یکی زمینی و یکی آسمانی، یکی خاکی و یکی افلاکی، یکی خونی و یکی اعتقادی، یکی اختصاصی و یکی اشتراکی است و این دو محتوای متفاوتی دارند. تفسیر دوم که بیشتر توسط جریانات مغرض دامن زده شده این است که اسلامیت اساسا نسبتی با ایرانیت ندارد، دین رسمی ایرانیان زردشتی است و اسلام یک ایدئولوژی عربی وارداتی است. نکته دیگر اینکه منازعه ایرانیت و اسلامیت نیز همچون برخی دیگر از منازعات فرهنگی اجتماعی و سیاسی در کشور ما خاستگاه تاریخی بیرونی دارد و یک منازعه بومی و درون‌زا نیست.

در بیان ریشه‌های تاریخ این منازعه فرهنگی ادعا شده که در برخی جوامع اروپایی یعنی اروپای مرکزی از نیمه دوم قرن هفدهم به این طرف، تحت تاثیر برخی تحولات درونی، پدیده و رخداد سیاسی اجتماعی بی‌سابقه و پهن دامنه‌ای به ظهور رسید که در ادبیات سیاسی به‌عنوان پدیده «دولت- ملت» (Nation- state) از آن یاد می‌شود. ظهور این پدیده یعنی شکل‌گیری واحدهای سیاسی اجتماعی تفکیک شده و متمایز که شاخص بارز تمایز آنها برخورداری از یک حاکمیت سیاسی مستقل و انحصاری با همه اجزا و ارکان مربوط است؛ به‌صورت طبیعی، ضرورت وجود یک محوریت و مرجعیت کانونی با مجموعه‌ای از عناصر معنایی مورد وفاق جهت ایجاد وحدت و همدلی میان همه گروه‌های دارای تمایزات قومی، نژادی، زبانی، مذهبی و صنفی مختلف در چهارچوب یک واحد سیاسی اجتماعی نوپدید را محرز و مسلم ساخت. این عنصر مشترک که بیشتر کارکرد وحدت‌بخش و یکپارچه‌ساز آن موردنظر بود، هر چیزی می‌توانست باشد (حقیقی، اعتباری، برساختی)، چه اینکه دورکیم جامعه‌شناس فرانسوی، اعتقاد به تابو (= تلقی قدسی از برخی حیوانات، گیاهان و پدیده‌های طبیعی) در میان برخی اقوام ابتدایی را عمدتا با هدف ایجاد همدلی و یکپارچگی اعتقادی و عملی در میان افراد و گروه‌های قومی استقراریافته در یک جغرافیای مسکون و به بیان دیگر، خلق یک هویت جمعی در فراسوی هویت‌های فردی تفسیر می‌کند. طرح ایده ملت و ملیت (نیشن) به‌عنوان یک عنصر هویتی مشترک و پژواک‌های ایدئولوژیک آن که غالبا با عنوان ملت‌گرایی، میهن‌گرایی، وطن‌خواهی، وطن‌دوستی، وطن‌پرستی و... ترجمه می‌شود، همه با این هدف صورت پذیرفت. بالطبع ناسیونالیسم به‌عنوان یک ایدئولوژی برای ایفای کارکرد مورد انتظار به مجموعه‌ای از دواعی و باورداشت‌های نظری، خوی و منش‌های اخلاقی، قواعد و رسوم عملی، نمادها و نشانه‌ها، اهداف و آرمان‌ها و شعارها و کلیشه‌های جهت‌دار و احساسی آراسته شد. در هر حال، هدف اصلی از ساخت و برساخت اسطوره ملت و میهن، ایجاد مرجعیتی پنداری و تخیلی برای ادغام همه خودهای متنوع و متکثر در یک خود بزرگ و ملی بود. بی‌شک، ضرورت طرح این ایدئولوژی در جوامعی که دین در آنها به حاشیه رانده شده و کارکردهای اجتماعی آن از جمله هویت‌بخشی و وحدت‌آفرینی تحت‌تاثیر غلبه سکولاریسم به‌شدت تضعیف شده بود، مقتضای عقلانیت بود [نسبت میان سکولاریسم و ناسیونالیسم]. به بیان دیگر، کارکرد اصلی و نقش مورد انتظار از ناسیونالیسم یا نشنالیسم این بود که با ساخت و القای یک هویت گفتمانی در فراسوی خرده گفتمان‌های قومی و محلی، جامعه اروپای آن روز را از تفرق و انشعاب و بروز جنگ‌های داخلی تا حد زیادی به‌دور دارد و همه جامعه را حول یک عنصر معنایی مشترک تجمیع کند. به همین دلیل، ضرورت طرح ناسیونالیسم در غرب را به اقتضائات سیاسی اجتماعی مدرنیته و جامعه‌سازی جدید آن منتسب دانسته‌اند [نسبت میان ناسیونالیسم و مدرنیته].

ناسیونالیسم، عمدتا با توسل به مولفه‌هایی که مدعی اشتراک آنها در میان آحاد و گروه‌های مختلف یک ملت بود، نقش وحدت‌بخش خود را به انجام رساند. عناصری همچون سرزمین و جغرافیای مسکون با مرزهای سیاسی معین، میراث تاریخی مشترک، فرهنگ مشترک (مجموعه‌ای از باورها، ارزش‌ها، هنجارها، آداب و سنن، آیین‌ها و مناسک، نمادها، اساطیر، هنر، ادبیات و...)، ابنیه تاریخی و تمدنی، صنایع و تکنولوژی‌ها و مشاهیر و بزرگان.

گفتنی است که واژه ناسیونالیسم، متعاقب ورود به جوامع غیراروپایی برای مثال، جهان عرب به «القومیه» (قوم‌گرایی، نژادگرایی، نژادپرستی یا ملت‌گرایی، ملت‌پرستی، ملت‌آیینی) و نیز «الوطنیه» (وطن‌خواهی، وطن‌دوستی، وطن‌گرایی) ترجمه شد و در جامعه فارسی‌زبان ایران به «ملت‌گرایی یا ملی‌گرایی» ترجمه شد. بدیهی است که ترجمه عربی این واژه به الوطنیه با معنای متبادر از آن در زبان مبداء قرابت و تناسب بیشتری دارد. اما ترجمه آن به «ملت» به‌ویژه اگر این واژه با عطف توجه به دلالت‌های قرآنی آن مورد توجه قرار گیرد، به هیچ وجه موجه نمی‌نماید، چه واژه ملت در ادبیات قرآنی، معادل دین انگاشته شده(= راه، طریق و روشی که پیامبران الهی برای هدایت بندگان در مسیر نیل به سعادت فراروی آنها گشوده‌اند. و به همین دلیل، ملت به پیامبران تشریع‌کننده آن نسبت داده شده است: ملت ابراهیم، ملت عیسی، ملت محمد). این معادل اگرچه ممکن است از روی غفلت و بدون قصد و نیت خاص انتخاب شده باشد اما به دلیل پیشینه ذهنی و فرهنگی، نه‌تنها حساسیتی برنیانگیخت که اقبال دین‌مداران را نیز به همراه داشت. در هرحال، از دید برخی محققان، ترجمه ناسیونالیسم به ملت‌گرایی از نوعی مغالطه لفظی ناشی شده است؛ چه واژه ملت متضمن ویژگی‌های اعتقادی، ارزشی، هنجاری و رفتاری قدسی و مشترک میان یک امت(فراسوی تعلقات قومی، نژادی، زبانی، تاریخی و جغرافیایی) است در حالی که ناسیونالیسم به صورت حقیقی یا ادعایی متضمن ویژگی‌های قومی، نژادی، سرزمینی و تاریخی مشترک میان اعضای یک جامعه خاص است. گفتنی است که برای ناسیونالیسم گونه‌های مختلفی ذکر شده و برای هریک آثار

ادامه در صفحه ۱۵

نوبت اول

سازمان خصوصی سازی
IRANIAN PRIVATIZATION ORGANIZATION

خلاصه آگهی عرضه دارایی مازاد دولت

سازمان خصوصی‌سازی در نظر دارد به استناد آیین‌نامه اجرایی مولدسازی دارایی‌های دولت و مصوبه هیات عالی مولدسازی، نسبت به واگذاری املاک مازاد متعلق به دولت با مشخصات مندرج در جدول زیر، از طریق بورس کالا اقدام نماید.

ردیف	استان	مشخصات ملک			قیمت پایه (ریال)
		نوع/ کاربری	نشانی	مساحت اعیان (مترمربع)	
۱	تهران	آپارتمان/مسکونی	تهران - خیابان جردن - خیابان عاطفی غربی - پلاک ۸۱ - طبقه ۲ - قسمت شمال شرقی - قطعه ۶ - واحد ۲۰۲	۱۳۹/۳۲	۲۲۶,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰
۲		آپارتمان/مسکونی	تهران - خیابان جردن - خیابان عاطفی غربی - پلاک ۸۱ - طبقه ۲ - قسمت جنوب شرقی - قطعه ۷ - واحد ۲۰۱	۱۴۰/۰۷	۲۵۹,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰
۳		آپارتمان/مسکونی	تهران - خیابان جردن - خیابان عاطفی غربی - پلاک ۸۱ - طبقه ۳ - قسمت شمال شرقی - قطعه۱۰- واحد ۳۰۲	۱۳۹/۳۲	۲۳۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰
۴		آپارتمان/مسکونی	تهران - خیابان جردن - خیابان عاطفی غربی - پلاک ۸۱ – طبقه ۴ - قسمت شمال شرقی - قطعه ۱۴- واحد ۴۰۲	۱۳۹/۳۲	۲۳۵,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰
۵	گیلان	آپارتمان/مسکونی	لاهیجان - بلوار امام رضا (ع) - نبش گلستان ۱۸ - طبقه اول	۵۷/۲۵	۱۴,۸۸۵,۰۰۰,۰۰۰
۶		آپارتمان/مسکونی	لاهیجان - بلوار امام رضا (ع) - نبش گلستان ۱۸ - طبقه دوم	۵۷/۲۵	۱۴,۸۸۵,۰۰۰,۰۰۰
۷		آپارتمان/مسکونی	گیلان - رشت - خیابان ۱۵ خرداد- نبش بنفشه ۳ - ساختمان آریا- طبقه سوم	۶۸/۶۵	۱۸,۷۰۰,۰۰۰,۰۰۰
۸	مرکزی	ساختمان/مسکونی	مرکزی- جاده فراهان- روستای آبیک‌آباد- خیابان ۱۵ خرداد- کوچه فردوسی ۳	عرصه: ۴۵۹ اعیان: ۲۴۶	۱۶,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰
۹	لرستان	آپارتمان / مسکونی	خرم‌آباد - بلوار ولایت (دره‌گرم) - انتهای نگارستان ۱۳ - خوابگاه دانشجویی خواهران - طبقه دوم	۵۲/۵۲	۶,۸۲۷,۶۰۰,۰۰۰
۱۰		آپارتمان / مسکونی		۵۲/۵۲	۶,۸۲۷,۶۰۰,۰۰۰
۱۱		آپارتمان / مسکونی		۵۹/۱۲	۷,۶۸۵,۶۰۰,۰۰۰
۱۲		آپارتمان / مسکونی	خرم‌آباد - بلوار ولایت (دره‌گرم) - انتهای نگارستان ۱۳ - خوابگاه دانشجویی خواهران - طبقه سوم	۵۵	۶,۸۷۵,۰۰۰,۰۰۰
۱۳		آپارتمان / مسکونی		۴۹/۲	۶,۱۵۰,۰۰۰,۰۰۰
۱۴		آپارتمان / مسکونی		۵۵	۶,۸۷۵,۰۰۰,۰۰۰
۱۵		آپارتمان / مسکونی	خرم‌آباد - بلوار ولایت (دره‌گرم) - انتهای نگارستان ۱۳ - خوابگاه دانشجویی خواهران - طبقه همکف	۴۹/۲	۶,۸۸۸,۰۰۰,۰۰۰
۱۶		آپارتمان / مسکونی		۴۹/۲	۶,۸۸۸,۰۰۰,۰۰۰
۱۷		آپارتمان / مسکونی		۵۵	۷,۷۰۰,۰۰۰,۰۰۰
۱۸		آپارتمان / مسکونی		۵۹/۱۲	۸,۲۷۶,۸۰۰,۰۰۰
۱۹		آپارتمان / مسکونی		۵۲/۵۲	۷,۳۵۲,۸۰۰,۰۰۰
۲۰		آپارتمان / مسکونی		۵۲/۵۲	۷,۳۵۲,۸۰۰,۰۰۰
۲۱		آپارتمان / مسکونی		۵۹/۱۲	۸,۲۷۶,۰۰۰,۰۰۰
۲۲		آپارتمان / مسکونی	خرم‌آباد - بلوار ولایت (دره‌گرم) - انتهای نگارستان ۱۳ - خوابگاه دانشجویی خواهران - طبقه اول	۵۵	۷,۴۲۵,۰۰۰,۰۰۰
۲۳		آپارتمان / مسکونی		۴۹/۲	۶,۶۴۲,۰۰۰,۰۰۰
۲۴		آپارتمان / مسکونی		۴۹/۲	۶,۶۴۲,۰۰۰,۰۰۰
۲۵		آپارتمان / مسکونی		۵۵	۷,۴۲۵,۰۰۰,۰۰۰
۲۶		آپارتمان / مسکونی		۵۹/۱۲	۷,۹۸۱,۲۰۰,۰۰۰
۲۷		آپارتمان / مسکونی		۵۲/۵۲	۷,۰۹۰,۲۰۰,۰۰۰
۲۸		آپارتمان / مسکونی		۵۲/۵۲	۷,۰۹۰,۲۰۰,۰۰۰
۲۹		آپارتمان / مسکونی		۵۹/۱۲	۷,۹۸۱,۲۰۰,۰۰۰
۳۰		آپارتمان / مسکونی	خرم‌آباد - بلوار ولایت (دره‌گرم) - انتهای نگارستان ۱۳ - خوابگاه دانشجویی خواهران - طبقه دوم	۴۹/۲	۶,۳۹۶,۰۰۰,۰۰۰
۳۱		آپارتمان / مسکونی		۴۹/۲	۶,۳۹۶,۰۰۰,۰۰۰
۳۲		آپارتمان / مسکونی		۵۵	۷,۱۵۰,۰۰۰,۰۰۰
۳۳		آپارتمان / مسکونی		۵۹/۱۲	۷,۶۸۵,۶۰۰,۰۰۰
۳۴		آپارتمان / مسکونی	خرم‌آباد - بلوار ولایت (دره‌گرم) - انتهای نگارستان ۱۳ - خوابگاه دانشجویی خواهران - طبقه سوم	۵۲/۵۲	۶,۵۶۵,۰۰۰,۰۰۰
۳۵		آپارتمان / مسکونی		۵۲/۵۲	۶,۵۶۵,۰۰۰,۰۰۰
۳۶		آپارتمان / مسکونی		۴۹/۲	۶,۱۵۰,۰۰۰,۰۰۰
۳۷		آپارتمان / مسکونی	خرم‌آباد - بلوار ولایت (دره‌گرم) - انتهای نگارستان ۱۳ - خوابگاه دانشجویی خواهران - طبقه دوم	۵۵	۷,۱۵۰,۰۰۰,۰۰۰
۳۸		آپارتمان / مسکونی	خرم‌آباد - بلوار ولایت (دره‌گرم) - انتهای نگارستان ۱۳ - خوابگاه دانشجویی خواهران - طبقه سوم	۵۹/۱۲	۷,۳۹۰,۰۰۰,۰۰۰
۳۹		آپارتمان / مسکونی		۵۹/۱۲	۷,۳۹۰,۰۰۰,۰۰۰

تاریخ عرضه و سایر شرایط و جزئیات معامله هر یک از املاک متعاقبا از طریق اطلاعیه عرضه بورس کالا و نیز پایگاه اینترنتی سازمان به نشانی www.ipo.ir (در بخش «آگهی‌های عرضه») اطلاع‌رسانی خواهد شد.

شماره شناسه ۱۶۲۹۵۲۳ - شماره م.الف ۳۷۵۹

فرهیختگان
سازمان آگهی‌های روزنامه
تلفن وفکس: (۰۲۱) ۶۲۹۹۹۴۹۵
ایمیل: a66428018@gmail.com
WWW.FDN.IR
FARHIKHTEGANDAILY

مدرسه عالی مهارتی
رسانه‌ای فرهیختگان
۰۹۱۰۸۱۰۶۵۳۵

ادامه از صفحه ۱۴

و کارکردهای فرهنگی، اجتماعی و سیاسی خاصی برشمرده‌اند. اهم این گونه‌ها عبارتند از: مدنی- سیاسی، قومی- فرهنگی، استقلالی- دفاعی.

برگردیم به اصل موضوع بحث؛ ورود ایدئولوژی ناسیونالیسم به سایر کشورها از جمله کشور ما، زمینه تقابل میان دو منظومه هویتی کلان تحت عنوان ملیت یا ایرانیت (با مولفه‌های فوق‌الذکر که معرف قومیت مشترک یک جامعه معین و محدد است) با اسلامیت (که معرف یک فرهنگ دینی و قدسی روییده در تاریخ و زیست‌بوم جامعه ایران و حلقه اتصال آن با سایرجوامع اسلامی است) را فراهم آورد؛ یا دست‌کم، بهانه‌ای برای خوانش متقابل از این دو مولفه کهن، در هم آمیخته و سازگار هویت ایرانی را فراهم ساخت. شدت درآمیختگی میان برخی از عناصر این دو منظومه هویتی به حدی است که تشخیص و تفکیک آنها به سختی ممکن است.

در طول چند دهه حاکمیت پهلوی‌ها همواره جریاناتی مغرض سعی کرده‌اند این دو مولفه را به صورتی متقابل و متعارض یعنی یکی را معرف قومیت و نژاد، دیگری را معرف دینداری و تشرع، یکی را اصیل و دیگری را غیراصیل، یکی را خودی و دیگری را بیگانه، یکی را درون‌زا و دیگری را وارداتی یا تحمیلی تفسیرکنند.

و برای اثبات مدعای خود به برخی نشانگان هویتی مورد مناقشه اسلام همچون برخورداری ایرانیان از نژاد آریایی، دین زردشتی، آیین‌های مزدکی و مانوی، زبان فارسی، و برخی رسومات آیینی همچون عید نوروز، چهارشنبه سوری، سیزده بدر، جشن‌های سده، مهرگان، بهمن‌گان، مجموعه‌های اساطیری همچون شاهنامه، بناهای تاریخی همچون تخت جمشید و... استناد می‌جستند.

از دید برخی تحلیلگران، تاکید بر عنصر ملیت، آن هم از نوع آریایی آن، جامعه ایران را به برخی جوامع اروپایی نزدیک و از جهان اسلام دور می‌ساخت و متقابلا تاکید بر عنصر اسلامیت، نتیجه‌ای معکوس به‌دست می‌داد. این موضوع، به فرض صحت می‌تواند جزو دواعی حکومت پهلوی که میل وافری به تقرب به جهان غرب مدرن داشت، تلقی شود.

در هر حال، تردیدی نیست که خوانش انشقاقی از هویت یکپارچه و در هم آمیخته ایرانیان (تحت عنوان هویت ایرانی - اسلامی) و تقابل‌افکنی میان عناصر رکین آن، جامعه ایران را به نوعی گسست و دوپارگی هویتی سوق می‌دهد.

در ادامه این بخش، با رویکردی تاریخی به برخی از سیاست‌های اتخاذ شده جهت تقابل‌افکنی و تثبیت ادعای وجود انشقاق لاینحل در شاکله هویتی ایرانیان اشاره می‌کنم.

همان‌گونه که در قبل به اجمال اشاره شد، از اواخر دوره قاجار به این طرف تحت‌تاثیرآشنایی و ارتباطات گسترده میان فرهنگی ایران با جهان غرب و ورود و اشاعه تدریجی برخی از عناصر فرهنگی آن دیار، عنصر سومی نیز به منظومه فرهنگی ایرانیان اضافه شد. از این پس فرهنگ غالب ایرانی، کانون تجمع سه جهان فرهنگی و ملتقای سه گفتمان فرهنگی یا سه نظام معنایی درهم آمیخته و به هم پیوسته شد: فرهنگ ایرانی باستان، فرهنگ اسلامی و فرهنگ غربی مدرن، اگرچه عنصر سوم این مجموعه یعنی فرهنگ غربی تدریجا در حال ورود و نفوذ بود و در مقایسه با دو عنصر پیشین از اصالت و تاریخیت و پذیرش جمعی کمتری برخوردار بود.

حکومت پهلوی‌ها، به‌ویژه پهلوی دوم از یک سو با طرح علایق باستان‌گرایی و تداوم سلسله‌های شاهنشاهی ایرانی(کوروش، داریوش، اردشیر و...) و از سوی دیگر، با اتخاذ رویکرد مثبت به غرب و الگوی توسعه تمدنی آن، در سیاست‌های فرهنگی خود عملا بر دو عنصر ایرانیت و مدرنیت یا غرب‌گرایی، تاکید ورزید و اسلامیت این فرهنگ کهن را با همه جلوه‌ها و مظاهر قدسی و تاریخی و ته‌نشست‌های عمیق آن در ذهن و ضمیر ایرانیان، مورد بی‌مهری و بلکه هجمه و تعرض قرار داد؛

انقلاب اسلامی نیز با تاکید وافر بر عنصر اسلامیت، عملا دو عنصر دیگر آن را مغفول نهاد؛ اگرچه ته نشست‌های عمیق فرهنگ ایرانی و نفوذ گسترده و سلطه هژمونیک فرهنگ غرب، همچنان در ذیل فرهنگ اسلامی به حیات خود و نقش‌آفرینی گسترده هرچند گاه در لباس مبدل ادامه دادند.

و همان‌گونه که در زمان طاغوت برخی جریانات مغرض با طرح سوژه‌هایی همواره بر تقابل لاینحل دو عنصر اسلامیت و ایرانیت اصرار می‌ورزیدند؛ بعد از انقلاب نیز عده‌ای عمدتا از روی ناآگاهی به جای تاکید بر نقاط اشتراک و بازخوانی و بازتفسیر عناصر به ظاهر ناهمخوان، تقابل ظاهری برخی عناصر فرهنگ ایرانی با فرهنگ اسلامی (مثل چهارشنبه سوری، عید نوروز، سیزده بدر، شب یلدا) را دستمایه تمسخر و خرده‌گیری قرار دادند و به همین بهانه بر کلیت فرهنگ باستانی مهر ابطال نهادند. حذف عنوان «ملی» از برخی مراکز و سازمان‌ها نیز احتمالا ازهمین ذهنیت ناشی شد.

در مقابل، برخی نیز با بصیرت انقلابی سعی در ارائه خوانش‌هایی بدیل از بقایای عناصر فرهنگ ایرانی کردند و تا حدی از آنها حساسیت‌زدایی کردند(برای نمونه: کوروش را به ذی القرنین تفسیرکردند، عید نوروز را با طرح دعای تحویل سال و قرآن در سفره هفت سین بازسازی کردند، سیزده بدر را روز طبیعت نام نهادند، چهارشنبه سوری را در حد یک تفریح و سرگرمی برای تخلیه هیجانات نسل جوان تقلیل دادند و...

نیازی به ذکر نیست که این تقابل افکنی‌ها هم‌اینک نیز به‌ویژه توسط جریانات سلطنت‌طلب و ضدانقلاب خارجی با هدف مخالفت با اسلام و انقلاب اسلامی ادامه دارد. در کشور نیز هر ساله به مناسبت روز کوروش (۷ آبان ماه)، عده‌ای با غفلت از انبوه اشتراکات و انسجام و یکپارچگی موجود در شاکله فرهنگ اسلامی - ایرانی، و هویت ملی ایرانیان بر لزوم بازگشت به سنن باستانی و احیای میراث کهن تاکید می‌ورزند. در هر حال، این گسست‌پنداری همواره می‌تواند به دواعی مختلف، بازخوانی و برجسته شود و وحدانیت و انسجام هویتی در شکل موجود را در معرض اختلال قرار دهد.

جالب است که جریان ایران‌گرایی به‌رغم حساسیت بیمارگونه نسبت به مولفه اسلامیت در فرهنگ ایرانی، هیچ‌گاه نسبت به عناصر وارداتی فرهنگ غرب مدرن مخالفت صریحی ابراز نکرده است.

شاید مناسب‌ترین راه برای برون‌رفت از این چالش بی‌مبنا، بیان حکیمانه شهیدمطهری ره باشد: «ما به لحاظ ریشه‌های طبیعی و نژادی به اقوام آریایی و از لحاظ ساختمان فکری و فرهنگی و سنن و نهادهای اجتماعی به اسلام که از ناحیه‌ای غیر از نژاد آریایی آمده است، وابستگی داریم».

بازخوانی این تقابل: شاید مناسب باشد به برخی از مهم‌ترین عوامل و زمینه‌های تاریخی موثر در برجسته‌سازی خوانش متقابل از دوگانه (ایرانیت و اسلامیت) و اصرار بر ماندگاری آن اشاره کنیم:

- تالیف آثاری همچون کتاب «دو قرن سکوت»، دکتر عبدالحسین زرین‌کوب، که به‌ویژه در چاپ اول آن، فاتحان عرب را عامل ویرانی ایران و سوزاندن کتابخانه‌های آن معرفی کرده است؛
- وجود برخی رسوبات شعوبیگری در ذهنیت ایرانی که از زمان ورود اسلام به ایران و سلطه حکومت‌های عربی براین سرزمین به‌وجود آمده و هراز گاهی به دلایل مختلف و توسط جریاناتی بازیابی شده است؛
- استقلال‌یابی تدریجی کشور در چهارچوب پدیده دولت- ملت، و زیرسوال رفتن آرمان امت و امامت و به‌زعم برخی تضعیف اسلامیت به‌عنوان یک عنصر فراملی؛
- ارجاع موضعی به عنصر ملیت برای ایجاد یکپارچگی میان اقوام مختلف ایرانی برای دفع بحران‌های تهدیدکننده کیان ملی و یکپارچگی داخلی مثل جنگ‌های ایران و روس، ملی شدن صنعت نفت، دفاع مقدس، سرکوب برخی خیزش‌های تجزیه‌طلب دردوره بعد از انقلاب؛
- سیاست‌های فرهنگی حکومت پهلوی با میانجی برخی کارگزاران غیرمسلمان آن(مثل تاکید بر میراث‌داری کوروش و داریوش و استمرار سلطه شاهنشاهی، برگزاری جشن‌های دوهزار و پانصد ساله، تغییر تاریخ شمسی، زدودن تدریجی برخی نمادهای اسلامی از جامعه و فرهنگ ایران، ایجاد مانع در برگزاری برخی مراسمات مذهبی، مخالفت شدید با روحانیت و حوزه‌های علمیه و...؛
- برخی القائات مستشرقین مثل طرح خوانش‌های ناصواب از آموزه‌های حکیم فردوسی و شیخ اشراق با عنوان نمادهای مقاومت روح ایرانی در برابر دین اسلام (درحالی‌که تعالیم آنها روح اسلام را در ابعاد معنوی و عرفانی، در بالاترین سطح ممکن نمایندگی می‌کند.) گفتنی است که هنوز هم برخی جریانات نوشعوبی، بر ضرورت مقاومت روح ایرانی در برابر نفوذ و سلطه اسلام تاکید دارند.
- اشاعه روایات تحریفی و تقلبی از رابطه اسلام و ایران توسط جریانات مغرض در دوران معاصر (مثل تلقی اسلام به‌عنوان یک ایدئولوژی عربی و تحمیلی، عدم توجه به پذیرش راغبانه این دین توسط قاطبه ایرانیان، مبالغه در کمیت و کیفیت میراث فرهنگی ایرانیان، عدم تفکیک میان خطاهای اعراب مهاجم و حاکمان اسلامی با روح و حقیقت تعالیم اسلام، نادیده‌انگاری خدمات بزرگ اسلام به ایران و فرهنگ ایرانی و...)
- تعقیب آرمان ایرانشهری توسط برخی روشنفکران که بر ضرورت بازخوانی میراث تمدنی ایران باستان و فعال‌سازی ظرفیت‌های آن تاکید دارند و ایده بازگشت به خود یعنی خود اصیل اسلامی را نوعی انحراف تلقی می‌کنند (ر.ک: آخرین بیانیه سیدجواد طباطبایی، به مناسبت جنبش زن، زندگی و آزادی کمی قبل از ارتحال ایشان)
- وقوع انقلاب اسلامی و شکست برخی جریانات سلطنت‌طلب و ملی‌گرا و تبدیل موضوع هویت به سوژه‌ای برای مخالفت با جریان انقلاب و اینکه انقلابیون مسلمان با طرح ایده امت و امامت، موقعیت ایران را به‌عنوان یک دولت- ملت تضعیف کرده‌اند و پیشینه باستانی آن را جاهلیت می‌خوانند.
- و...

وجود برخی ابهامات در این منازعه

- تلقی مروجان این تقابل این است که گویا جامعه ایران قبل از ورود اسلام، از یک منظومه فرهنگی منسجم و یکپارچه و دارای هویت وحدانی با عنوان «ایرانیت» برخوردار بوده که بعد از آمدن اسلام این پیکره دستخوش تلاشی شد و تنها عناصری از آن که با آموزه‌ها و عقاید اسلامی همخوانی داشت، برجای ماند. این تلقی با گزارشات تاریخی از وضعیت پیشااسلام این سرزمین انطباق ندارد.
- «ایرانیت و اسلامیت» به مثابه دو مولفه هویتی به‌هم پیوسته و در هم آمیخته، به لحاظ مفهومی در طول تاریخ تطورات و قبض و بسط‌هایی را تجربه کرده‌اند و بسته به قرائت‌های مختلفی که از آنها به‌دست داده می‌شود، نسبت میان آنها نیز متفاوت ارزیابی می‌شود.
- مدعیان این منازعه و منتقدان ورود اسلامیت معمولا از ویرانی‌ها و عقب‌ماندگی‌های همه‌جانبه ناشی از سلطه طولانی‌مدت پادشاهان ظالم و مستبد و دست‌نشاندگان محلی و منطقه‌ای آنها (ایلخانان، خوانین، کلانترها و کدخدایان)، منازعات بی‌مبنای اقوام مختلف ایرانی با یکدیگر، عقب‌ماندگی‌های ریشه‌دار فکری، فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و مدیریتی جامعه ایران در طول تاریخ، ضعف‌ها و کاستی‌های اخلاقی و ارتباطی مردم این سرزمین، خسارات و تباهی‌های ناشی از یورش مهاجمان خارجی مثل اسکندر مقدونی و مغولان، ورود مدرنیته و هجمه‌های فرهنگی ویرانگر آن و... سخن قاطعی به میان نمی‌آورند و حساسیت متناسبی ابراز نمی‌دارند؛ گویا علت‌العلل تباهی‌ها و عقب‌ماندگی‌های این ملت را باید در هجوم اعراب و ورود اسلام به این سرزمین جست‌وجو کرد.
- مدعیان این منازعه، خدمات بسیار ارزشمند اسلام به ایران یا آثار متفرع بر اسلامیت این سرزمین را چندان که باید به حساب نمی‌آورند. مواردی چون نقش اسلام در شکل‌گیری، تقویت و تداوم هویت ملی و ایرانی (موضوعی موید به شواهد تاریخی و جامعه‌شناختی فراوان حتی قرن‌ها قبل از ظهور صفویه)، اصلاح، تقویت و استمرار فرهنگ و نظام معنایی ایران باستان، به‌ویژه ارزش‌های آرمانی آن مثل انسان‌دوستی، عدالت‌خواهی، حق‌جویی، ظلم‌ستیزی، وفاداری، مهربانی و...؛ نقش اسلام در ظهور قیام‌های رهایی‌بخش مثل نهضت سربداران در مقابل تهاجم ویرانگر مغولان و حفظ این سرزمین از نابودی توسط قوای بیگانه، نقش فرهنگ فردوسی (شیعه مذهب) و قیام حسن صباح در دفع سلطه طولانی مدت عباسیان، نقش خواجه نصیرالدین طوسی دانشمند بزرگ شیعی در ایجاد زمینه برای شکل‌گیری نوعی نظم سیاسی نوین ایرانی در دوره ایلخانی و درنتیجه سقوط حاکمیت عباسی، نقش اسلام و علمای شیعه در شکل‌گیری حکومت یکپارچه و قدرتمند صفویه؛ نقش منحصربه‌فرد اسلام در تربیت دانشمندان بزرگ ایرانی در تراز جهانی (همچون فارابی، ابن‌سینا، سهروردی، خوارزمی، ذکریای رازی، و...)؛ نقش اسلام در هدایت برخی رخدادهای سرنوشت‌ساز این ملت مثل جنگ‌های ایران و روس، جنبش تنباکو، نهضت مشروطیت، ملی شدن صنعت نفت، انقلاب اسلامی و جنگ تحمیلی.

شهید مطهری با تالیف کتاب «خدمات متقابل اسلام و ایران» بی‌اعتباری منازعه هویتی ایرانیان را با استناد به دلایل مختلفی مبرهن ساخت. روح بیان ایشان این است: همان‌طور که اسلام، ایران را آزاد کرد و روح تازه‌ای در پیکر ایرانی دمید، تمدن کهن ایران نیزبه تمدن جوان و باعظمت اسلامی، کمک و خدمات فراوان کرد. تردیدی نیست که «ایرانیان بیش از هر ملت دیگر، نیروهای خود را در اختیار اسلام قرار دادند و بیش از هر ملت دیگر در این راه صمیمیت و اخلاص نشان دادند.» به بیان دیگر، ایرانیت و اسلامیت در کالبد تشیع، مهم‌ترین نقش را در توسعه‌بخشی به تمدن و فرهنگ اسلامی داشته‌اند.

ابن‌خلدون، متفکر مسلمان قرن هشتم هجری می‌گوید: از عجایب روزگار این است که حاملان تمدن اسلامی و ناشران کتاب و دانش، ایرانیان عجم هستند. (ر.ک: مجموعه آثار، ج۱۴، مواضع مختلف)

پیشنهادهایی در مسیر نظام‌سازی

- ما الزاما باید از این خرده‌هویت‌های منازعه‌آمیز قومی، فرهنگی، زبانی و مذهبی عبور کنیم تا به یک هویت واحد ملی فراگیر با مولفه‌هایی که مورد وفاق قاطبه ایرانیان است، دست بیابیم.
- باید بپذیریم که کشور ما نیز همچون سایر کشورهای حدودا ۲۰۰گانه جهان از یک هویت ملی برخوردار است و همه نمادهای ملی اعم از کلاسیک و مدرن را دارد مرزهای جغرافیایی مشخص، پیشینه تمدنی کهن، میراث فرهنگی تاریخی، قومیت‌های اصیل و ریشه‌دار، حاکمیت ملی، قانون اساسی، پرچم ملی، سرود ملی، واحد پول ملی، اسناد هویتی ملی، حتی رسانه ملی، تیم ملی، خودرو ملی، عضویت در سازمان ملل و جامعه جهانی و... قاعدتا هویت ناشی از تعلق به امت اسلامی و جهان اسلام نباید به تضعیف مایه‌های ملی و ملیتی منجر شود.
- ما باید این سه عنصر هویتی کلان را درکنار هم بنشانیم و جایگاه مناسب هریک را برحسب میزان اصالت و اعتبار، تاثیرگذاری و کارآمدی و مقبولیت جمعی در شاکله هویت ملی خود تعیین کنیم و ترکیب منسجمی از این عناصر متناسب با اقتضائات عصری برساخت کنیم.
- ما لاجرم باید با تمایلات ملیت‌گرایانه افراطی (شووینیسم) و تمایلات ملیت‌گریز و ملیت‌ستیز مبارزه کنیم (نتیجه برخی اقدامات جریانات ملی‌گرا و اسلام‌گرایان افراطی، چیزی جز اختلال هویتی نیست.)
- ما نیز مثل هر ملتی نیاز داریم که همواره میراث فرهنگی تاریخی خود را در پرتو دانش‌ها و تجربه‌های جدید و متناسب با اقتضائات عصری و زمانی بازخوانی کنیم.
- ما به دلیل اعتقاد به اسلام به‌عنوان دین الهی خاتم، یک نظام اعتقادی، ارزشی و هنجاری جامع و متعالی، یک مولفه هویتی اصیل و سعادت‌بخش، موتور محرک تمدن بزرگ ایرانی - اسلامی و مبنای نظری و ایدئولوژیکی انقلاب اسلامی؛ باید مرجعیت بلامنازع آن را (به‌عنوان یک کلان الگوی مشترک میان همه اقوام ایرانی و اکثریت قاطع جامعه کنونی ایران) در همه سطوح و ساحت‌های زندگی فردی و اجتماعی و ملی بپذیریم و معیارهای آن را اصل و فصل‌الخطاب قرار دهیم.
- انتظار این است که نظام جمهوری اسلامی و رهبران فکری آن، موضع خود را در قبال دوگانه دولت - ملت و امامت - امت نظرا و عملا روشن سازند و به شبهات این عرصه پاسخ گویند.
- چنین به نظر می‌رسد که انگاره یا کلیشه «ایرانی- اسلامی» که بعد از انقلاب به‌عنوان پسوند بسیاری از پدیده‌ها ازجمله هویت ملی از آن سخن می‌رود، نیاز به صراحت‌بخشی و ابهام‌زدایی بیشتر دارد.
- از دید برخی اندیشمندان اجتماعی، هویت‌ها اموری گفتمانی و برساختی‌اند و بیشتر ارزش ابزاری و کارکردی دارند تا اصالت ماهوی. این سخن اگر درباره هویت‌های دینی و اسلامی غیرقابل قبول باشد؛ درباره هویت‌های ملی، قومی، زبانی و به‌طورکلی، هویت‌های مبتنی‌بر خاک و خون امری پذیرفتنی است و این آموزه می‌تواند تا حدی تعصبات کور را مهار کند. در هرحال، هویت از هر نوع که باشد نباید به خودمداری و خودبرتربینی و تفاخر قومی و ملی و تعصبات بی‌مبنا منجر شود.
- تاکید بر آموزه‌ها و سبک‌های سکولار با هدف ایجاد بیشترین زمینه برای همزیستی متقابل میان گروه‌های مختلف و مهار تمایلات و تعصبات فرقه‌گرایانه در کشورهایی مثل ما که سابقه کهن مذهبی دارند، جواب نمی‌دهد.
- نکته پایانی اینکه برخی اندیشمندان بر این باورند که در جهان شبکه‌ای امروز و عضویت قهری افراد در قبایل مختلف که به یمن فضای مجازی محقق شده و زمینه پیوند افراد در فراسوی تعلقات پیشین در گستره جهانی فراهم آمده است؛ به جای تاکید بر هویت‌های پهن‌دامنه ملی و مذهبی، باید ظهور خرده‌هویت‌های متکثر، متنوع، مختلط و سیال گروهی و فراسرزمینی را به رسمیت شناخت. از دید ایشان، روند کنونی، درنهایت به بی‌اعتباری مقوله ملیت و هویت‌های ملی منتهی خواهد شد. روشن است که عنصر هویت نیز به تبع تغییرات هستی‌شناختی جهان متغیر خواهد شد.

نوبت اول

وزارت راه و شهرسازی
اداره کل راه و شهرسازی استان قزوین

آگهی تجدید مناقصه ۱۴۰۲/۰۸

اداره کل راه و شهرسازی استان قزوین در نظر دارد موارد مشروحه ذیل را از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت به پیمانکاران واجد شرایط و تعیین صلاحیت شده واگذار نماید. کلیه مراحل برگزاری مناقصه از دریافت اسناد مناقصه تا ارائه پیشنهاد مناقصه‌گران و بازگشایی پاکت‌ها از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به آدرس www.setadiran.ir انجام خواهد شد و لازم است مناقصه‌گران درصورت عدم عضویت قبلی، مراحل ثبت‌نام در سایت مذکور و دریافت گواهی امضای الکترونیکی را جهت شرکت در مناقصه محقق سازند.

تاریخ انتشار اسناد مناقصه در سامانه ۱۴۰۲/۱۰/۰۵
مهلت زمانی دریافت اسناد مناقصه از سایت: ساعت ۱۴ روز سه‌شنبه مورخ ۱۴۰۲/۱۰/۱۲
مهلت زمانی ارائه پیشنهاد: ساعت ۱۴ روز سه‌شنبه مورخ ۱۴۰۲/۱۰/۲۶
زمان بازگشایی پاکت‌ها: ساعت ۹ صبح روز چهارشنبه مورخ ۱۴۰۲/۱۰/۲۷
آخرین مهلت تحویل پاکت (الف) به‌صورت حضوری ساعت ۱۴ روز سه‌شنبه مورخ ۱۴۰۲/۱۰/۲۶ به آدرس ذیل می‌باشد.

متقاضیان شرکت در مناقصه می‌توانند برای دریافت اطلاعات بیشتر به نشانی قزوین- انتهای بلوار نوروزیان پشت صداوسیما- اداره کل راه شهرسازی استان قزوین اداره پیمان و رسیدگی مراجعه یا با شماره تلفن ۳۳۶۵۹۴۷۴-۰۲۸ تماس حاصل نمایند.

اطلاعات سامانه ستاد جهت انجام مراحل عضویت در سامانه: مرکز تماس ۱۴۵۶

اطلاعات تماس دفاتر ثبت‌نام سایر استان‌ها، در سایت سامانه (www.setadiran.ir) بخش «ثبت‌نام/پروفایل تامین کننده/مناقصه‌گر» موجود است.

ردیف	عنوان مناقصه	مبلغ برآورد (ریال)	مبلغ تضمین (ریال)	توضیحات
۱	باقی‌مانده و تکمیل تقاطع غیرهمسطح سه‌راهی آبترش آسفالت ورسجا	۳۱۹،۳۳۶،۲۰۸،۹۶۳	۱۵،۱۰۰،۰۰۰،۰۰۰	دومرحله‌ای- بر مبنای فهرست بهای تجمیع‌شده راه، راه‌آهن و باند فرودگاه ۱۴۰۲

رتبه مورد نیاز ردیف ۱: رتبه ۵ رشته راه و ترابری

روابط عمومی اداره کل راه و شهرسازی استان قزوین
شماره شناسه ۱۶۳۰۳۶۸

دومرحله‌ای

شرکت علمی و تحقیقاتی اصفهان

تجدید مناقصه عمومی همزمان با ارزیابی (یکپارچه)

فراخوان ساخت مجموعه ورزشی پارک شیخ بهایی شهرک علمی و تحقیقاتی اصفهان

شهرک علمی و تحقیقاتی اصفهان در نظر دارد فراخوان ساخت مجموعه ورزشی پارک شیخ بهایی شهرک علمی و تحقیقاتی اصفهان به شماره ۲۰۰۲۰۹۴۴۰۰۰۰۰۱۳ را از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت برگزار نماید.

کلیه مراحل برگزاری فراخوان از دریافت و تحویل اسناد فراخوان تا بازگشایی پاکت‌ها از طریق درگاه سامانه تدارکات الکترونیکی دولت (ستاد) به آدرس www.setadiran.ir انجام خواهد شد.

متقاضیان شرکت در فراخوان درصورت عدم عضویت در سامانه، نسبت به ثبت‌نام و دریافت گواهی امضای الکترونیکی (به‌صورت برخط) برای کلیه صاحبان امضای مجاز و مهر سازمانی اقدام لازم را به عمل آورند.

مواعد زمانی:
تاریخ انتشار فراخوان: ۱۴۰۲/۱۰/۰۲
مهلت دریافت اسناد فراخوان: ۱۴۰۲/۱۰/۱۱
مهلت ارسال پیشنهادات: ۱۴۰۲/۱۰/۲۳
زمان بازگشایی پاکت ارزیابی کیفی: ۱۴۰۲/۱۰/۲۳ ساعت ۱۳:۳۰ سالن جلسات شهرک علمی و تحقیقاتی اصفهان
نوع و مبلغ تضمین شرکت در فرآیند ارجاع کار: ضمانتنامه بانکی به مبلغ ۱۱,۱۰۴,۸۷۵,۹۵۵ ریال

بهای پیشنهادی باید به حروف و عدد در پیشنهاد درج شود.
شرکت در مناقصه هیچ حقی برای شرکت‌کننده ایجاد نمی کند. مدت انجام فعالیت ۱۵ ماه
میزان پیش پرداخت ۲۵ درصد مبلغ قرارداد مطابق قوانین می‌باشد. محل انجام کار: اراضی شهرک علمی و تحقیقاتی اصفهان
سایر اطلاعات در اسناد مناقصه موجود می‌باشد. جهت دریافت اسناد مناقصه و قرارداد به سایت www.setadiran.ir مراجعه شود.
اطلاعات تماس و آدرس دستگاه: اصفهان-بلوار دانشگاه صنعتی اصفهان- شهرک علمی و تحقیقاتی اصفهان-ساختمان شیخ بهایی- تلفن ۳۳۸۷۱۲۰۵-۳۳۸۷۲۷۳۶

شماره شناسه ۱۶۲۹۹۴۳

کانون تبلیغاتی
سپهرجوان
۰۹۳۹۸۸۸۸۶۹۹
مجری انحصاری
تبلیغات محیطی
دانشگاه آزاد اسلامی

مدرسه عالی مهارتی
رسانه‌ای فرهیختگان
۰۹۱۰۸۱۰۶۵۳۵
Farhikhteghan_school

فرهیختگان
FARHIKHTEGAN صدای نخبگان، نگاه جوانان
روزنامه فرهیختگان WWW.FDN.IR
farhikhteganonline